



تظاهرات بزرگ ایرانیان در چهل و ششمین سالگرد انقلاب ضدسلطنتی در پاریس

۲۰ بهمن ۱۴۰۳

مریم رجوی: نه شاه، نه شیخ زنده باد انقلاب دموکراتیک مردم ایران!

هموطنان عزیز، یاران مقاومت، اشرف‌نشان‌ها!
 درود بر شما و درود بر مجاهدان آزادی در اشرف ۳ که به این گردهمایی پیوسته‌اند.
 انقلاب بزرگ ضدسلطنتی مردم ایران در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ را گرامی می‌داریم با این تعهد مقدس
 و بزرگ که رژیم ستم‌شیخی را هم باید سرنگون کنیم.
 آری، نه شاه، نه شیخ زنده باد انقلاب دموکراتیک مردم ایران!
 به راه‌گشایان و راهبران راستین آن انقلاب درود؛ از پدر طالقانی تا حنیف و محسن و بدیع‌زادگان
 و جزنی و احمدزاده و پویان و پاک‌نژاد و از خالقان حماسه سیاهکل تا اشرف و موسی.

رژیم آخوندها از هر طرف در محاصره است

نسل انقلاب ۵۷ بارها قتل‌عام شد، به زنجیر کشیده شد، با دروغ و شیطان‌سازی بمباران شد، اما
 در نسل‌های شورشی و قیام‌آفرین تکثیر شد و امتداد یافت.
 خواستند انقلاب ایران را بسوزانند و خاکستر کنند. اما با رهبری مسعود رجوی، انقلاب از زیر
 خاکستر شعله کشید و فروزان شد.
 انقلاب بهمن برای ورثه شاه، «شوم» است، اما برای کهکشان شهیدان و شورشگران، جشن
 پیروزی بر دیکتاتوری سلطنتی است. هر چند که آخوندها آن انقلاب را ربودند، اما دورانشان
 به‌سر آمده، انقلابی دیگر در شرف تکوین است.
 رژیم آخوندها از هر طرف در محاصره است؛ در محاصره کانون‌های شورشی و جوانان شورشگر،
 در محاصره جامعه لبریز از خشم و عصیان و در محاصره انواع مخاصمات درونی و بیرونی،
 به‌خصوص پس از فروریختن مهم‌ترین پایگاه‌شان در منطقه.
 خامنه‌ای بارها می‌گفت: اگر در سوریه نجنگیم باید در تهران و اصفهان خط ببندیم. حالا که
 سوریه و لبنان را از دست داده‌اند، با اعدام در تهران و همه شهرهای ایران خط بسته‌اند.

ولی به آن‌ها می‌گوییم: معطل نکنید؛ بیت‌العنکبوت را هم سنگربندی کنید! زیرا شورشگران برآنند که چهارراه پاستور را برای همیشه از میکروب‌های شیخ و شاه پاک و پاستوریزه کنند!

با اتمی یا بی‌اتمی سرنگونی در انتظار آخوندهاست

در دومینوی شکست‌ها، مدتی بود که باندهای متخاصم رژیم بر سر مذاکره کردن یا مذاکره نکردن با آمریکا، به‌جان هم افتاده بودند.

ما می‌گفتیم و می‌گوییم، بفرمایید مذاکره کنید و در همه زمینه‌ها جام زهر را سربکشید. برای ما هزار جام زهر، در خدمت هزار اشرف است.

به همین خاطر وزارت اطلاعات رژیم از طریق معاونش گفت، مذاکره بزرگترین سم است چون می‌خواهند با مذاکره به ما بگویند «یا باید عقب‌نشینی کنید، یا سرنگون شوید».

دیروز هم خامنه‌ای خودش، حرف آخر را زد و گفت «مذاکره کردن عاقلانه نیست، هوشمندانه نیست، شرافتمندانه نیست». قبلاً هم این رژیم گفته بود از ترس مرگ خودکشی نخواهد کرد!

اما حرف مردم و مقاومت ایران این است که ای جلاد «مرگت فرارسیده!» با مذاکره یا بی‌مذاکره، با اتمی یا بی‌اتمی، قیام و سرنگونی در انتظار شماست!

امروز شهرهای ایران لبریز است از اعتراض‌ها و اعتصاب‌های کارگران، پرستاران، معلمان و غارت‌شدگان و بازنشستگان. ده‌ها میلیون نفر از نیازهای اساسی زندگی (مثل برق و آب و مسکن، حداقل مواد غذایی و بهداشت) محروم‌اند.

اما مشکل مردم ما فراتر از ده‌برابر و صدبرابر شدن قیمت‌هاست. مشکل آن‌ها ۴۶ سال حاکمیت یک استبداد مذهبی سفاک و غارتگر است. به‌همین دلیل، در قیام ۱۳۹۶ با جلوداری زنان و جوانان شورشگر به‌پاخواستند، در قیام آتشین ۹۸، هشتصد مرکز سیاسی و نظامی رژیم را در نوردیدند و در پائیز ۱۴۰۱ در ۲۸۰ شهر ایران، زمین را زیر پای آخوندها به لرزه درآوردند.

بله، چاره کار یک انقلاب دیگر است. انقلابی برای به‌زیر کشیدن نظام اعدام و قتل‌عام.

خشونت‌پرهیزی یا تسلیم‌طلبی!

به آن‌ها که حفاظت از وضع موجود یا دست‌کم بی‌عملی و عافیت‌جویی خود را در زرورق خشونت‌پرهیزی می‌پیچند و مقاومت و ایستادگی را خشونت‌گرایی جلوه می‌دهند، می‌گوییم آقایان! اگر هدف، پنهان کردن مواضع تسلیم‌طلبانه یا سازشکارانه نیست، بفرمایید با هر روشی که بهتر می‌دانید آخوندها را سرنگون و دموکراسی را برقرار کنید.

همچنان که مسعود گفته است: هر کس استبداد دینی را به زیر بکشد و یک جمهوری دموکراتیک و مستقل جایگزین کند، ما با تمام قوا، خالصانه و بی‌چشمداشت در کنار او هستیم و حمایت می‌کنیم.

اما جز شورای ملی مقاومت چنین چیزی، یافت می‌نشود. حال اگر کسی منکر وجود آلترناتیو است، معنی سیاسی این حرف، جز دوام و بقای همین رژیم نیست. شورای ملی مقاومت ایران از ۲۲ سال پیش، طرح جبهه همبستگی ملی برای سرنگونی استبداد مذهبی را ارائه کرده است. این شورا برای اتحاد همه نیروهای جمهوری خواه ملتزم به نفی کامل نظام ولایت‌فقیه که برای استقرار یک نظام دموکراتیک و مستقل و مبتنی بر جدایی دین از دولت مبارزه می‌کنند، فراخوان داده است.

بنابراین باور کنید دعوا هرگز بر سر این روش و آن روش نبوده و نیست. اصل دعوا و قلب دعوا این است که سرنگونی فاشیسم دینی، با هر میزان فداکاری که بخواهد، آری یا خیر؟ در این چند دهه ثابت شده هر کس که درد سرنگونی این دیکتاتوری را دارد، با جنبش مقاومت، دشمنی نمی‌کند و علیه نیروی جنگنده ضد رژیم با آخوندها هم‌زبان و هم‌صدا نمی‌شود. بله، هر کس که خواهان سرنگونی است، صمیمانه از کانون‌های شورشی حمایت می‌کند. تجمع امروز شما در کشوری است که سرود ملی آن مارسیز است. ما هم با آن‌ها می‌خوانیم:

«فرزندان میهن برپا
روز افتخار فرا رسیده
درحالی که استبداد علیه ماست،
پرچم خونین برافراشته شده.
گردان‌هایتان را تشکیل دهید.
برای نابودی مستبدان
به پیش به پیش!»

حق شورش، در بیانیه جهانی حقوق بشر

بله، ما و مردم ما فقط برای حق پوشش، نمی‌جنگیم. حق شورش نخستین حق ما و مردم ما و شورشگران برای آزادی است.

حقی که به‌عنوان آخرین وسیله علیه خودکامگی و سرکوب در سرلوحه بیانیه جهانی حقوق بشر نقش بسته است.

هم میهنان!

مردم ما در انقلاب ۵۷ دیکتاتوری سلطنتی را برانداختند. حالا ما برای به‌زیر کشیدن استبداد دینی و پیروزی یک انقلاب دموکراتیک برخاسته‌ایم. در آن انقلاب، زنان فداکارانه به میدان قیام آمدند اما سهم آنان تبعیض و سرکوب و حجاب اجباری شد. حالا انقلابی در جریان است که به‌سوی مشارکت فعال و برابر زنان در رهبری سیاسی در حرکت است. در آن انقلاب، جای استبداد سلطنتی را استبداد دینی پر کرد. حالا اما جامعه‌ی می‌سازیم که در آن دین و دولت از هم جداست. جامعه‌ی می‌سازیم که در آن همه ملیت‌ها از هموطنان کرد و عرب و بلوچ و ترکمن به حقوق خود دست می‌یابند.

حاکمیت از آن جمهور مردم

آن قانون اساسی که سلطنت را به‌عنوان «موهبت الهی» به شاه و «اعقاب ذکور او» تفویض می‌کرد، در انقلاب ضدسلطنتی ۱۳۵۷ به‌گور سپرده شد. این قانون اساسی هم که تمام کشور را تحت سلطنت «ولایت مطلقه امر و امام امت» گذاشته، به‌گور سپرده می‌شود. قانون اساسی تازه‌ی در راه است که مهم‌ترین اصل آن این است که حاکمیت از آن جمهور مردم ایران و رأی و انتخاب آزادانه آن‌هاست. این است رسالت مقاومت ما که خود را فدا می‌کند،

تا راه انتقال حاکمیت به صاحبان حقیقی‌اش گشوده شود؛
تا راه عموم مردم این میهن برای تعیین سرنوشت‌شان هموار شود
و نیروی سرکوب شده زنان جایگاه تعیین‌کننده خود را به‌دست آورد.
سخن‌انم را با درود به اشرف شهیدان و سردار خلق موسی‌خیابانی و یاران شهیدشان به‌پایان می‌برم که در عاشورای مجاهدین در ۱۹ بهمن ۱۳۶۰ جان بر سر پیمان نهادند.
سلام بر آن‌ها که تا آخرین نفس جنگیدند و سنت سرخ‌فام مقاومت به هر قیمت را بنیاد گذاشتند.

ای ایران!

مهر تو چون شد پیشه‌ام

دور از تو نیست اندیشه‌ام

در راه تو کی ارزشی دارد این جان ما

پاینده باد خاک ایران ما!